

پیام تصویری رهبر معظم انقلاب اسلامی  
به مناسبت روز جهانی قدس  
۱۳۹۹/۳/۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِیْنَ وَصَحْبِهِ الْمُنْتَجِبِیْنَ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ اِلٰی یَوْمِ الدِّیْنِ.

به همهی برادران و خواهران مسلمان در سراسر جهان درود میفرستم و قبولی طاعات آنان در ماه مبارک رمضان را از خداوند مسئلت میکنم و پیشاپیش فرارسیدن عید سعید فطر را به آنان تبریک میگویم و پروردگار کریم را بر نعمت مضور در این ماه ضیافت الهی، سپاس میگویم.

امروز روز قدس است؛ روزی که با ابتکار هوشمندانهی امام خمینی همچون ملقهی وصلی برای همصدایی مسلمانان دربارهی قدس شریف و فلسطین مظلوم تعیین شد؛ و در این چند دهه، در این باره نقش آفرینی کرد و از این پس نیز خواهد کرد ان شاء الله. ملتها از روز قدس استقبال کردند و آن را همچون نخستین کار واجب، یعنی برافراشته نگه داشتن پرچم آزادی فلسطین گرامی داشتند. سیاست عمدهی استکبار و صهیونیسم، کمزنگ کردن مسئلهی فلسطین در ذهنیت جوامع مسلمان و به سمت فراموشی راندن آن است. و فوریترین وظیفه، مبارزه با این خیانتی است که به دست مزدوران سیاسی و فرهنگی دشمن در خود کشورهای اسلامی صورت میگیرد. و حقیقت آن است که مسئلهای به عظمت مسئلهی فلسطین چیزی نیست که غیرت و اعتماد به نفس و هوشمندی روزافزون ملتهای مسلمان، اجازهی فراموش شدن آن را بدهد؛ هر چند آمریکا و دیگر سلطه‌گران و پادوهای منطقهای آنان همهی پول و توان خود را برای آن به کار گیرند.

اولین سفن، یادآوری بزرگی فاجعهی غصب کشور فلسطین و تشکیل غدهی سرطانی صهیونیستی در آن است. در میان جنایات بشری دورانهای نزدیک به زمان حاضر، هیچ

جنایتی در این مجامع و با این شدت وجود ندارد. غصب یک کشور و بیرون کردن مردم برای همیشه از خانه و کاشانه و سرزمین اجدادی خود، آن هم با فمیح‌ترین انواع قتل و جنایت و هلاکِ مَرث و نسل و ده‌ها سال تداوم این ستم تاریخی، حقیقتاً یک رکورد جدید از سَبُحِیَّت و شیطان‌صفتی بشر است.

عامل و مجرم اصلی این فاجعه، دولتهای غربی و سیاستهای شیطنانی آنها بود. آن روزی که دولتهای فاتح جنگ اول جهانی، منطقه‌ی غرب آسیا، یعنی قلمرو آسیای محکومت عثمانی را به عنوان مهم‌ترین غنیمت جنگی، میان خود در کنفرانس پاریس تقسیم میکردند، نیاز به یک پایگاه امن در قلب این منطقه را برای تضمین سلطه‌ی دائمی خود بیش از پیش احساس کردند. انگلیس از سالها پیش از آن، با طرح بالفور زمینه را آماده کرده و با همفکری زسالااران یهودی بدعتی به نام صهیونیسم را مهیای نقش‌آفرینی کرده بود؛ و اکنون زمینه‌های عملی آن فراهم میشد. از همان سالها مقدمات را بتدریج در کنار هم چیدند و سرانجام پس از دومین جنگ جهانی با استفاده از غفلت و گرفتاری دولتهای منطقه، ضربه‌ی خود را وارد آوردند و رژیم جعلی و دولت بدون ملت صهیونیست را اعلام کردند. آماج این ضربه در درجه‌ی اول ملت فلسطین و در درجه‌ی بعد همه‌ی ملت‌های این منطقه بودند.

نگاه به حوادث بعدی منطقه نشان میدهد که هدف اصلی و نزدیک غربی‌ها و کمپانی‌داران یهودی از ایجاد دولت صهیونیست، بنای یک پایگاه مضور و نفوذ دائمی برای خود در غرب آسیا و امکان دسترسی نزدیک برای دفالت و تممیل و تسلط بر کشورها و دولتهای این منطقه بود. از این رو رژیم جعلی و غاصب را به انواع امکانات قدرت‌آفرین – چه نظامی و چه غیر نظامی – متی تسلیمات اتمی مجهز کردند و رشد این غده‌ی سرطانی را در پهنه‌ی نیل تا فرات در برنامه‌های خود گنجانند.

متأسفانه اغلب دولتهای عرب پس از مقاومت‌های نخستین که برفی از آنها تمسین برانگیز بود، بتدریج تسلیم شدند و بخصوص پس از ورود ایالات متحده‌ی آمریکا به عنوان متولی مسئله، هم وظیفه‌ی انسانی و اسلامی و سیاسی، و هم غیرت و نفوت عربی خود را به فراموشی سپرده و با امیدهای واهی به هدفهای دشمن کمک کردند. «کمپ دیوید» مثال روشنی از این حقیقت تلخ است.

گروه‌های مبارز نیز پس از برفی مجاهدتهای فداکارانه در سالهای نخست، بتدریج به راه بی‌فرجام مذاکره با اشغالگر و حامیانش کشانده شدند و فط سیری را که میتوانست به تمقق آرمان فلسطین منتهی شود، رها کردند. مذاکره با آمریکا و دیگر دولتهای غربی و نیز با مجامع بی‌فاصیت بین‌المللی، تجربه‌ی تلخ و ناموفق فلسطین است. نشان دادن شافهی زیتون در مجمع عمومی سازمان ملل، نتیجه‌ای جز قرارداد فسادت‌بار «اسلو» نداشت و سرانجام هم به سرنوشت عبرت‌انگیز یاسر عرفات منتهی شد.

طلوع انقلاب اسلامی در ایران، فصل جدیدی در مبارزه برای فلسطین گشود. از اولین قدمها یعنی بیرون راندن عناصر صهیونیست که ایران دوران طاغوت را یکی از پایگاه‌های امن خود می‌شمردند و سپردن محل سفارت غیر رسمی رژیم صهیونیست به نمایندگی فلسطین و قطع جریان نفت تا کارهای بزرگ و فعالیتهای گسترده‌ی سیاسی، همه موجب پدید آمدن «جبهه‌ی مقاومت» در کل منطقه شد و امید به حل مسئله در دلها شکفت. با ظهور جبهه‌ی مقاومت، کار بر رژیم صهیونیستی سفت و سفت‌تر شد – و البته در آینده بسی سفت‌تر هم خواهد شد ان‌شاءالله – ولی تلاش حامیان آن رژیم و در رأس آنان آمریکا در دفاع از آن هم بشدت افزایش یافت. پیدایش نیروی مؤمن و جوان و فداکار حزب‌الله در لبنان و تشکیل گروه‌های پُرانگیزه‌ی حماس و جهاد اسلامی در درون مرزهای فلسطین نه تنها سردمداران صهیونیست بلکه آمریکا و دیگر ستیزه‌گران غربی را هم

مضطرب و سراسیمه کرد و یارگیری از درون منطقه و از درون جامعه‌ی عربی را در صدر برنامه‌های آنان پس از پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از رژیم غاصب قرار داد. نتیجه‌ی کار پُرجمع آنان، امروز در رفتار و گفتار برفی سردمداران دولتهای عربی و برفی فعالان فائز سیاسی و فرهنگی عرب، آشکار و جلوی چشم همه است.

امروز از هر دو سو فعالیت‌های متنوعی در صحنه‌ی مبارزه ظهور میکند، با این تفاوت که جبهه‌ی مقاومت رو به اقتدار و امید فزاینده و جذب روزافزون عناصر قدرت پیش میرود و بعکس جبهه‌ی ظلم و کفر و استکبار روز به روز تهی‌تر و مأیوس‌تر و کم‌توان‌تر میشود. نشانه‌ی روشن این مدعا آن است که ارتش صهیونیست که یک روز ارتشی شکست‌ناپذیر و برق‌آسا شمرده میشد و ارتشهای بزرگ دو کشور مهاجم را در ظرف چند روز متوقف میکرد، امروز در برابر نیروهای مبارز مردمی در لبنان و غزه مجبور به عقب‌نشینی و اعتراف به شکست میشود. با این حال عرصه‌ی مبارزه بشدت فطیر و تخییرپذیر و نیازمند مراقبت دائمی است و موضوع این مبارزه بسی مهم و سرنوشت‌ساز و میاتی است. هر گونه غفلت و سهل‌اندیشی و خطا در محاسبات اساسی، زیانهای سنگین وارد خواهد کرد.

بر این اساس به همه‌ی کسانی که دل در گرو مسئله‌ی فلسطین دارند چند توصیه میکنم:

۱- مبارزه برای آزادی فلسطین، جهاد فی سبیل الله و فریضه و مطلوب اسلامی است. پیروزی در چنین مبارزه‌ای تضمین شده است، زیرا فرد مبارز متی در صورت کشته شدن هم به امدی المسنین دست یافته است. بجز این، مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی انسانی است، بیرون کردن میلیون‌ها انسان از خانه و مزرعه و محل زندگی و کسب فود، آن هم با قتل و جنایت، هر وجدان انسانی را آزرده و متأثر میکند و در صورت داشتن همّت و شجاعت به مقابله وادار میسازد. پس محدود کردن آن به یک مسئله‌ی صرفاً فلسطینی و

مداکثر عربی، خطایی فامش است. آنها که سازش چند عنصر فلسطینی یا مگام چند کشور عربی را مجوز عبور از این مسئله‌ی اسلامی و انسانی می‌شمرند، بشدت دچار خطا در فهم مسئله و امیانا دچار فیانت در ترمیف آند.

**۲-** هدف این مبارزه، آزادی همی سرزمین فلسطین – از بحر تا نهر – و بازگشت همی فلسطینیان به کشور فویش است. فروکاستن آن به تشکیل دولتی در گوشه‌ای از این سرزمین، آن هم به شیوه‌ی تمقیرآمیزی که در ادبیات صهیونیست‌های بی‌ادب از آن یاد میشود، نه نشانه‌ی حق‌جویی است و نه نشانه‌ی واقع‌بینی است. واقع آن است که امروز میلیون‌ها فلسطینی به مرتبه‌ای از اندیشه و تجربه و اعتماد به نفس رسیده‌اند که بتوانند این جهاد بزرگ را وجهی همّت سازند و البته به نصرت الهی و پیروزی نهایی مطمئن باشند، که فرمود: **وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ، إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ!** بی‌شک بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان آنها را یاری و با آنان همدردی خواهند کرد ان شاء الله.

**۳-** هر چند بهره گرفتن از هر امکان ملال و مشروع در این مبارزه مجاز است و از جمله حمایت‌های جهانی، ولی مؤکداً باید از اعتماد به دولتهای غربی و نیز مجامع جهانی ظاهراً یا باطناً وابسته به آنها پرهیز کرد. آنها با هر موجودیت اثرگذار اسلامی دشمنند؛ آنها به حقوق انسانها و ملت‌ها بی‌اعتنایند؛ آنها خود عامل بیشترین فسارتهای و جنایتهای به امت اسلامی‌اند؛ هم اکنون کدام نهاد جهانی یا کدام قدرت جنایت‌کار پاسفگوی ترورها، قتل‌عام‌ها، جنگ‌افروزی‌ها، بمبارانها، و قمطی‌های مصنوعی در چندین کشور اسلامی و عربی است؟

---

۱. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰

امروز دنیا یک به یک تعداد قربانیان کرونا را در سراسر جهان می‌شمارد، اما هیچ کس نپرسیده و نمی‌پرسد قاتل و مسئول صدها هزار شهید و اسیر و مفقود در کشورهای که آمریکا و اروپا در آن آتش جنگ را روشن کرده‌اند کیست؟ مسئول این همه فون بنامق بر خاک ریخته در افغانستان، یمن، لیبی، عراق، سوریه و دیگر کشورها کیست؟ مسئول این همه جنایت و غصب و تفریب و ظلم در فلسطین کیست؟ چرا هیچ کس این میلیون‌ها کودک و زن و مردِ مظلوم در جهان اسلام را شمارش نکرد؟ چرا کسی قتل‌عام شدن مسلمانان را تسلیت نمی‌گوید؟ چرا میلیون‌ها فلسطینی باید هفتاد سال از خانه و کاشانه‌ی خود دور بوده و در تبعید به سر برند؟ و چرا قدس شریف، قبله‌ی اول مسلمانان باید مورد اهانت قرار گیرد؟ سازمان به اصطلاح ملل به وظیفه‌ی خود عمل نمی‌کند و نهادهای به اصطلاح حقوق بشری مُرده‌اند. شعار «دفاع از حقوق کودک و زن» شامل کودکان و زنان مظلوم یمن و فلسطین نمی‌شود. این چنین است وضع قدرتهای ظالم غربی و مجامع وابسته‌ی جهانی؛ وضع برخی دولتهای دنباله‌رو آنان در منطقه هم در بی‌آبرویی و رسوایی بدتر از آن است که به بیان آید. پس جامعه‌ی مُسلمِ غیور و دیندار باید به خود و نیروی درونی‌اش تکیه کند؛ دست قدرتمند خود را از آستین بیرون آورد و با توکل و اعتماد به خداوند از موانع عبور کند.

**۴-** نکته‌ی مهمی که نباید از نظر نخبگان سیاسی و نظامی جهان اسلام دور بماند، سیاست آمریکا و صهیونیست‌ها در انتقال درگیری‌ها به پشت جبهه‌ی مقاومت است. راه‌اندازی جنگ‌های داخلی در سوریه، و محاصره‌ی نظامی و کشتار شبانه‌روزی در یمن، و ترور و تفریب، و تولید داعش در عراق، و قضایای مشابه در برخی دیگر از کشورهای منطقه،

همگی ترفندهایی برای سرگرم کردن جبهه‌ی مقاومت و فرصت دادن به رژیم صهیونیست است. برخی سیاستمداران کشورهای مسلمان نادانسته و برخی دانسته در خدمت این ترفندهای دشمن قرار گرفته‌اند. راه جلوگیری از اجرای این سیاست فبائت‌آمیز، عمدتاً فواست و مطالبه‌ی جدی جوانان غیرتمند در سراسر جهان اسلام است. جوانان در همه‌ی کشورهای اسلامی بویژه کشورهای عربی، نباید توصیه‌ی امام خمینی عظیم را از نظر دور بدارند که فرموده: هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا - و نیز البتّه دشمن صهیونیست - بکشید.

۵- سیاست عادی‌سازی مضور رژیم صهیونیستی در منطقه یکی از عمده‌ترین سیاست‌های ایالات متّده‌ی آمریکا است. برخی دولت‌های عربی منطقه که نقش پادوی آمریکا را ایفا میکنند، در این باره به تهبیه‌ی مقدمات لازم آن، از قبیل ارتباطات اقتصادی و امثال آن پرداخته‌اند؛ این تلاشها یکسره عقیم و بی‌نتیجه است. رژیم صهیونیستی زائده‌ای مهلك و زیان‌محمض برای این منطقه است و بیقین ریشه‌کن و ازاله خواهد شد، و بی‌آبرویی و سیه‌رویی برای کسانی خواهد ماند که امکانات خود را در خدمت این سیاست استکباری نهاده‌اند. برخی برای توبیه این رفتار زشت، استدلال میکنند که رژیم صهیونیستی واقعیتی در منطقه است، بی‌آنکه به یاد آورند که با واقعیتهای مهلك و زیان‌بخش باید مبارزه کرد و آن را ازاله کرد. امروز کرونا یک واقعیت است و همه‌ی انسانهای باشعور، مبارزه با آن را واجب میدانند. ویروس دیرپای صهیونیسم بی‌گمان از این پس دیری نمیپاید و به همت و ایمان و غیرت جوانان از این منطقه ریشه‌کن خواهد شد.

۴- اصلی‌ترین توصیه‌ی اینجانب توصیه به تداوم مبارزه و سامان بخشیدن به سازمانهای جهادی و همکاری آنان با یکدیگر و گسترش عرصه‌ی جهاد در همه‌ی سرزمین‌های فلسطینی است. همه باید ملت فلسطین را در این جهاد مقدّس یاری کنند. همه باید دست مبارز فلسطینی را پُر، و پشت او را محکم کنند. ما با افتخار، هر چه در توان داشته باشیم در این راه انجام فوایم داد. یک روز تشفیص ما این شد که مبارز فلسطینی، دین و غیرت و شجاعت دارد و تنها مشکل او دست تهی از سلاح او است. به هدایت و مدد الهی برنامه‌ریزی کردیم و نتیجه این است که موازنه‌ی قدرت در فلسطین دگرگون شد و امروز غزه میتواند در برابر تهاجم نظامی دشمن صهیونیست بایستد و بر آن پیروز شود.

این تخریب محاذله در بخش موسوم به سرزمین‌های اشغالی فواید توانست قضیه‌ی فلسطین را به گامهای نهایی نزدیک کند. تشکیلات خودگردان در این امر تکلیفی بزرگ برعهده دارد. با دشمن و منشی جز با اقتدار و از موضع قدرت نمیتوان سخن گفت، و زمینه‌ی این اقتدار بممدالله در ملت شجاع و مقاوم فلسطین آماده است. جوانان فلسطینی امروز تشنه‌ی دفاع از کرامت خویشند.

مماس و جهاد اسلامی در فلسطین و مزب‌الله در لبنان، محبت را بر همه تمام کرده‌اند. دنیا فراموش نکرده و نخواهد کرد آن روزی را که ارتش صهیونیست مرزهای لبنان را شکست و تا بیروت پیش آمد و آن روزی را که قاتل جنایت‌کاری به نام آریل شارون در صبرا و شتیلا حمام فون به راه انداخت، و نیز فراموش نکرده و نخواهد کرد آن روزی را که همین ارتش در زیر ضربات کوبنده‌ی مزب‌الله پاره‌ای جز این نیافت که با دادن تلفات فراوان و با اعتراف به شکست، از مرزهای لبنان عقب‌نشینی کند و برای آتش‌بس به التماس بیفتد؛ دست پُر و موضع قدرت یعنی این. مال بگذار فلان دولت اروپایی که باید



به خاطر فروش مواد شیمیایی به رژیم صدام تا ابد شرمسار باشد، مزب‌الله مجاهد سرافراز را غیر قانونی بداند.

غیر قانونی، رژیمی مثل آمریکا است که داعش را تولید میکند و رژیمی مثل آن دولت اروپایی است که هزاران نفر در بانه‌ی ایران و حلبچه‌ی عراق بر اثر مواد شیمیایی‌اش به کام مرگ میروند.

۷- سخن آخر آن است که فلسطین متعلق به فلسطینیان است، و باید با اراده‌ی آنان اداره شود. طرح همه‌پرسی از همه‌ی ادیان و اقوام فلسطینی – که از نزدیک به دو دهه‌ی پیش از این ارائه کرده‌ایم – تنها نتیجه‌ای است که باید بر پالشهای امروز و فردای فلسطین مترتب شود. این طرح نشان میدهد که ادعای یهودی ستیزی که غربیان با بوقهای خود آن را تکرار میکنند، بکلی بی‌اساس است. در این طرح، فلسطینیان یهودی و مسیحی و مسلمان، در کنار هم در یک همه‌پرسی شرکت و نظام سیاسی کشور فلسطین را تعیین میکنند؛ آنچه قطعاً باید برود نظام صهیونیستی است و صهیونیسم، خود بدعتی در آئین یهود و کاملاً بیگانه از آن است.

در پایان، یاد شهیدان قدس، از شیخ احمد یاسین و فتمی شقاقی و سید عباس موسوی، تا سردار بزرگ اسلام و چهره‌ی فراموش نشدنی مقاومت، شهید قاسم سلیمانی و مجاهد بزرگ عراقی، شهید ابومهدی المهندس و دیگر شهدای قدس را گرامی میدارم و به روح امام خمینی عظیم‌الشان که راه عزت و جهاد را به روی ما گشود، درود میفرستم، و نیز برای برادر مجاهد، مرحوم حسین شیخ‌الاسلام که سالیانی در این راه تلاش کرد، رحمت الهی را مسئلت میکنم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله